

مزمور ۱۱۶ در سنت یهود مهم است و هنگام آمادگی برای پسک یهودی (عید فصح) خوانده می شود. این یک مزمور پر از ستایش است. که با ستایش خدا آغاز و پایان می یابد هاللیا یا همان لغت انگلیسی هلولیا به معنی ستایش خداوند است. عیسی مسیح مزمور ۱۱۶ را با شاگردان خود آواز می خواند در حالی که آنها در آن شب خیانت و دستگیری در حال آماده می کردن پسخ بودند. (متی ۲۶: ۳۰ مرقس ۱۴: ۲۶)

در آیات ۱ و ۲ می خوانیم **من خداوند را دوست دارم**، زیرا او صدای من و **دعاهای من را شنیده** است زیرا گوش خود را به سمت من متمایل کرده است. این یک عشق دو طرفه است، او من را دوست دارد و من هم او را دوست دارم. برای چه مدت؟ تا وقتی زنده ام! این یک عزم برای زندگی است و گفتن اینکه خدایان دیگر را دنبال نکنید و پرستش نکنید. این اعلان عشق است، نه عشقی که شامل احساسات باشد بلکه اعلام وفاداری، اعتماد کامل به خدا است.

در آیات ۳ و ۴ می خوانیم که مزمورنویس سخت دچار دردسر شده است. هرچه بود، نام خداوند را صدا کرد.

دعایی که مستقیماً خطاب به پروردگار ایراد شد.

پروردگارا، (همانطور که وقتی می خواهیم توجه کسی را جلب کنیم)

دعایی که در قلب او عمیق بود: از تو التماس می کنم، (خواهش می کنم)

دعایی که به خدا نیاز او را می گوید: روح من را برهان. (روحم را از بدبختی رها کن)

او معجزه ای نخواست. او در قلب خود صلح خدا را خواست.

این دعا کوتاه، تا حد واقعی، فروتنانه و جدی است. آیا همه ما لحظات بسیار عمیقی را تجربه نمی کنیم که به غیر از "گریه های اضطراری" کلمه دیگری نمی دانیم؟ ما یاد می گیریم که دردسر واقعی باعث ایجاد دعای واقعی می شود.

در آیات ۵-۷ مزمورنویس با دانستن اینکه دعای او مستجاب می شود، از شخصیت بخشنده، صالح و مهربان خدا ستایش می کند. افراد ساده مردم صادق، مردم معمولی، مردم عادی با قلب صادق که منتظر خدا، راه و زمان او هستند. مزمور از کلمه ساده یا احمقانه استفاده می کند. این کلمه نه به دلیل احمق بودن این افراد ساده بلکه به این دلیل است که دنیا آنها را چنین می بیند. به یاد بیاورید که چگونه عیسی با باجگیران، چوپان ها و ماهیگیران معمولی مخلوط شده و آنها را به پیروی از خود فرا خواند، تا شاگردان او شوند و دیگران چگونه از رفتار او بد صحبت می کنند.

عیسی صادق بود و کاملاً به خدا، پدر اعتماد داشت. با این حال، بسیاری از رهبران مذهبی او را "ساده" می دانستند زیرا آنها به تحصیلات و دانش خود افتخار می کردند. آنها هیچ علاقه و احترامی به او نداشتند. در آیه ۷ از کلمه "بازگشت" استفاده شده است زیرا که مزمورنویس تأمل می کند که چگونه خداوند قبل از مشکلات فعلی او را بارها برکت داده است و دعای او این است که روح او را دوباره آرامی دهد. وقتی آرامش روحی نداریم، می توانیم آن را دوباره در خداوند پیدا کنیم، با دعا و خواندن کلام او.

در آیات ۸-۱۱ می خوانیم "نجات یافته از مرگ". به نظر می رسد این یک بحران است! مزمورنویس برای زندگی خود می ترسد و او به دنبال آسایش خدا برای اشک های خود است و می خواهد قدرت او ادامه یابد. ما نیز می توانیم ترس و تردید داشته باشیم اما این بدان معنا نیست که اعتماد به خدا نداشته باشیم.

عیسی در شب خیانت و دستگیری این کلمات را با شاگردانش خواند. او از مرگی که می آید، اشکی که می ریزد و افتادن او زیر با صلیب اطلاع داشت. با این حال ، عیسی می توانست با اطمینان آواز بخواند. در آیه ۹ می خوانیم "من در پیشگاه خداوند در سرزمین زندگان قدم خواهم زد": این سخنان سپاسگزار مزمورنویس پس از نجات او بود. آنها همچنین کلماتی با اعتماد به نفس بودند که توسط مسیح با ایمان خوانده شدند. او می توانست با اطمینان کامل به صلیب برود که بار دیگر در سرزمین زندگان قدم خواهد زد. "راه رفتن در حضور خداوند به معنای" راه رفتن در نور" است. بسیاری از مردم زندگی خود را برای شنیدن سخنان خوب از هم نوعان خود می گذرانند و می خواهند نظر و قضاوت آنها را بشنوند. فرد رحیم به دنبال حضور خدا است و مطابق خواست او عمل می کند.

من ایمان خود را حتی در مواقع دردسرهای عمیق حفظ کردم. پر از ایمان ، مزمورنویس به دردسر خود نگاه کرد و در عمق پریشانی به خدا اعتماد کرد. پولس رسول این سخنان را در مواقع سخت خود نقل کرده و به خدا توکل کرده است. او تجربه کرده بود که اعتماد او به خدا هرگز از بین نرفته است (۲ قرنیتیان ۴: ۱۳-۱۴). این کلمات از روح القدس است ، که در مزمورنویس، در عیسی ، در پولس و در همه مسیحیان وفادار کار می کند.

در آیه ۱۱ این کلمات را می خوانیم: همه انسانها دروغگو هستند (در ترجمه های دیگر "همه انسانها بیهوده هستند"). وی ابراز داشت که نمی توان به انسان اعتماد کرد و قابل اعتماد نیست. این هم تجربه خودش بود ، کلماتی که با عجله گفت. او به سرعت فهمید که در گفتن این حرف اشتباه کرده است زیرا افزود: من با عجله = با ذهن آشفته صحبت کردم. همچنین می توانیم عجولانه صحبت کنیم و غالباً پشیمانی به دنبال دارد. ما می توانیم استغفار کنیم اما نمی توانیم کلمات خود را پس بگیریم ، نمی توانیم از یک پاک کن استفاده و آنها را پاک کنیم کاری که می توانیم با مداد و کاغذ انجام دهیم.

در آیات ۱۲-۱۴ ، مزمورنویس می داند که چه کاری می تواند انجام دهد تا از خدایی که چنین سخاوتمندانه او را برکت داده است سپاسگزاری کند (لوقا ۱۷: ۱۲-۱۹). افکار او در مورد این بود که چرا خدا با او چنین نیکی کرده است. این افکار درباره این نبود که چرا او دچار مشکل شده است. همه با مشکلاتی روبرو هستند و ما باید بدانیم که نعمت ها ریشه در خداوند دارند مهم نیست چقدر کوچک یا بزرگ، کم یا زیاد باشد ، درست همانطور که مزمورنویس این را فهمید. حتی بعداً متوجه می شویم که نعمت های او نیازهای ما را برآورده کرده است و حتی متوجه نعمت های خود نمی شویم. میان عبارات ارتباط وجود دارد ، من جام رستگاری را به دست خواهم گرفت و نام خداوند را خواهم خواند. سعی کنید عیسی را در آن شبی که گذشت تصور کنید ، این کلمات را می خواند و غذا به اشتراک می گذارد (لوقا ۲۰: ۲۲). عیسی خود آن جام نجات را از پدرش گرفت و آن را به قوم خود بخشید. در آیه ۱۴ خواننده علناً عظمت و وفاداری خدا را اعلام کرد. او آنچه را که در آیه ۲ قول داده بود در حضور خدا انجام دهد ، انجام خواهد داد.

آیات ۱۵-۱۷ روشن می کند که مرگ هنوز هم برای همه مقدسین خدا یک واقعیت است. وقتی آن روز فرا می رسد ، خداوند مرگ مردم خود را به عنوان یک چیز گرانبها در نظر می گیرد. خدا به ویژه به مردم خود نزدیک است و مراقب افراد خود است که بیمار یا در حال مرگ هستند ، به آنها نزدیک می شود و حضور خود را مشهود می کند تا آنها در ساعت مرگ راحت باشند. خدا آنچه را که برای ما بهتر است انجام می دهد. عیسی این کلمات را شب قبل از مرگ خودش با شاگردانش خواند و بنابراین کلام پیش گویی کرده است و امروزه نیز قدرتمند هست. عیسی آخرین مقدس بود و مرگ او فراتر از درک ما ارزشمند بود. خواننده در آیه ۱۶ خود را وقف خدمت خدا کرد. او با کار بزرگ خدا آزاد شد. ستایش و سپاسگزاری او را وادار کرد تا زمانی که زنده است (برای همیشه) خادم بیهوده باشد.

در آیات ۱۸ و ۱۹ تکرار آیه ۱۴ وجود دارد: "من نذرهای خود را به خداوند می پردازم". این امر به ما یادآوری یک شکرگذاری عمومی است همانطور که وقتی در کلیسا یا زوم با هم ملاقات می کنیم ، این کار را به ما یادآوری می کند. در کنیسه ، در منطقه خانه خداوند در اورشلیم ، مزامیر ستایش و سپاس خود را از خدا اعلام می کند. در آیه ۲ او قول داد که نزدیک خدا

خواهد ماند ، یک وعده شخصی برای تک تک ما، و در آیه ۱۸ وعده ای در جمع داد. این مانند وقتی است که ما زندگی خود را به عیسی می بخشیم و از او می خواهیم که به صورت خصوصی به قلب ما بیاید و بعداً با تعمیم علناً عشق و زندگی خود را به عیسی اعلام می کنیم. باشد که همه ما نعمت داشته باشیم و یاد بگیریم که در فضل و نعمت های خداوند در انتظار عمومی صحبت کنیم و هرگز از این کار خجالت نکشیم.

آمین

<https://www.youtube.com/watch?v=G5j1sRz9M1I>